



تطبیق ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم با کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی

سیدحیدر هاشمی*

محمدصادق شجاعی**

چکیده

تعیین ملاک‌های نابهنجاری از مهم‌ترین موضوعات در دانش روان‌شناسی است و کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی به‌عنوان مهم‌ترین مبنای تشخیص اختلال‌های روانی، ملاک‌هایی را پیشنهاد داده است. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم و کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی با بهره‌گیری از روش تطبیقی پُردی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد پنج ملاک برای اختلال‌های روانی در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی شامل انحراف از انتظارات فرهنگی، اختلال رفتاری - روان‌شناختی - زیستی، انعطاف‌ناپذیری، عدم کنترل و اختلال قابل توجه بالینی وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش پنج ملاک را برای نابهنجاری در قرآن کریم شامل؛ افراط و تفریط، انسجام‌نیافتگی، غیرمتعارف بودن، غیرعقلانی بودن و دوری از فطرت شناسایی کرد. تطبیق این ملاک‌ها نشان داد که ملاک انحراف از انتظارات فرهنگی با غیرمتعارف بودن و ملاک اختلال‌های رفتاری-روان‌شناختی - زیستی با انسجام‌نیافتگی هم‌پوشی دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد ملاک‌های عدم کنترل، انعطاف‌ناپذیری و اختلال قابل توجه بالینی می‌توانند در اثر عدم تعقل بروز کنند و ملاک دوری از فطرت، می‌تواند با تمام ملاک‌های نابهنجاری کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در ارتباط باشد. همچنین یافته‌ها نشان داد به‌جز اختلال‌های مادرزاد و با منشأ زیستی، سایر اختلال‌ها می‌توانند در اثر فاصله گرفتن انسان از فطرت پدید آید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، DSM، بهنجاری، نابهنجاری، فطرت، روان‌شناسی اسلامی

* دانشجوی دکتری رشته قرآن و علوم روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه | seyedheydarehashemi.6583@gmail.com

** استادیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی و عضو گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

مقدمه

یکی از مباحث چالشی و پر مناقشه در روان‌شناسی، تعیین ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری است. در این زمینه رویکردهای مختلفی همچون زیست‌شناختی، روان‌تحلیلگری، شناختی، انسان‌گرایی و اجتماعی وجود دارد (کاپلان^۱، ۱۳۹۲، ص ۲۸ و سلیگمن^۲، ۱۳۸۶، ص ۶). پژوهش‌هایی در زمینه بررسی و ارزیابی ملاک‌های نابهنجاری در روان‌شناسی معاصر صورت گرفته است. در یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، ابوترابی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقد ملاک‌های بهنجاری در روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی» به صورت تفصیلی پس از بررسی دیدگاه مکاتب مختلف در حوزه مفهوم بهنجاری، به نقد آن‌ها با رویکرد اسلامی پرداخته است. پژوهش دیگر را فقیه‌ی، شریفی و پناهی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی نارسایی‌های دیدگاه‌های روان‌شناسی معاصر پیرامون ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری و تبیین این موضوع از دیدگاه اسلامی» انجام داده است که در این پژوهش نیز پس از مرور ملاک‌های نابهنجاری از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی، کاستی‌های این ملاک‌ها بررسی شده و در نهایت دیدگاه اسلام بر اساس دریافت پژوهش‌گران احصا شده است. همچنین باقری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بهنجاری و نابهنجاری از منظر روان‌شناسی ماده‌گرا و رویکرد اسلامی» به بررسی و مقایسه مفهوم بهنجاری و نابهنجاری از دیدگاه روان‌شناسی معاصر و رویکرد اسلام پرداخته است، با این تفاوت که در این پژوهش بیش‌تر به مبانی و ریشه مفهوم نابهنجاری پرداخته شده است.

بررسی‌ها نشان داد که بیش‌تر این پژوهش‌ها سعی در بررسی نظریات و مکاتب روان‌شناسی معاصر و عرضه آن‌ها به رویکرد اسلامی داشته‌اند. در این میان بررسی اثری کاربردی و مبنایی در تشخیص‌های افتراقی مانند کتاب «راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی»^۳ (DSM) و عرضه آن بر ملاک‌های برگرفته از قرآن کریم، ضروری به نظر می‌رسد. کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی که توسط انجمن روان‌پزشکی امریکا به ویراست پنجم رسیده است، به‌عنوان مرجع تشخیصی تمام اختلال‌ها و نابهنجاری‌های روانی از مقبولیت نسبتاً گسترده‌ای برخوردار است (محمدی و گراوند، ۱۳۹۴، ص ۳۰۹). ملاک‌های مطرح‌شده

1. Kaplan, H

2. Seligman, M

3. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

در این کتاب شامل انحراف از انتظارات فرهنگی، اختلال رفتاری - روان شناختی - زیستی، انعطاف پذیری و عدم کنترل است (انجمن روان پزشکی امریکا، ۲۰۰۰). البته این ملاک‌ها، به‌عنوان شاخص‌های مشترک و کلی برای همه نابهنجاری‌ها عنوان می‌شود و هرکدام از اختلال‌های ذکر شده در این کتاب، ملاک‌های ویژه خود را نیز دارد (کیو^۱، ۱۳۸۶، ص ۴۱). ملاک‌های یادشده در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی مبنای بسیاری از پژوهش‌ها بوده و تشخیص و درمان اختلال‌ها بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد نابهنجاری در منابع اسلامی قلمرو وسیع‌تری دارد به‌گونه‌ای که برخی از آن‌ها ذیل ملاک‌های نابهنجاری ذکر شده در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به سه سؤال ذیل است:

۱. ملاک‌های نابهنجاری از دیدگاه قرآن کریم کدام‌اند؟

۲. ملاک‌های نابهنجاری از دیدگاه کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی کدام‌اند؟

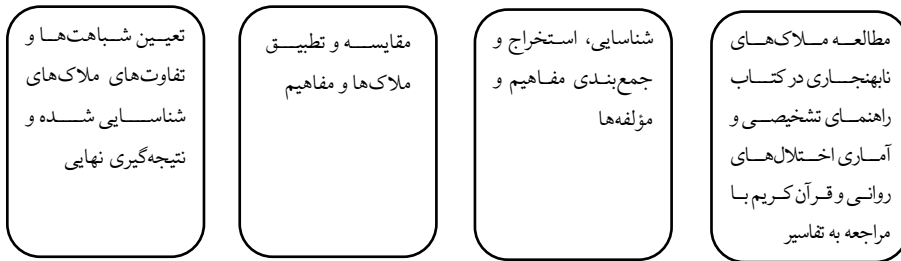
۳. نظام تشخیصی نابهنجاری قرآن کریم با کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی با بهره‌گیری از روش تطبیقی بردی^۲ (۱۹۶۴) بود. این روش در چهار مرحله زیر انجام می‌شود: مرحله اول: انجام مطالعه مروری به‌منظور بررسی ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم و کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. مرحله دوم: شناسایی و جمع‌بندی ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم و کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. مرحله سوم: مقایسه و تطبیق ملاک‌ها و مفاهیم مرتبط با نابهنجاری در قرآن کریم و کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. مرحله چهارم: تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و تبیین نهایی (شکل ۱).

1. Kew, S

2. Bereday, G. Z



شکل ۱: مراحل چهارگانه روش تطبیقی پردی در این پژوهش

با توجه به مراحل پیشین، ملاک‌های نابهنجاری از کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی استخراج شد. برای این منظور ضمن مراجعه به آخرین نسخه این کتاب (DSM-V-TR)، از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که به بررسی ملاک‌های نابهنجاری و به‌صورت ویژه ناظر به کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی پرداخته بودند مانند کتاب «تمایز شخصیت عادی و غیرعادی»^۱ نوشته استفان استراک^۲، استفاده شد. همچنین، ملاک‌های نابهنجاری بر اساس آیات قرآن کریم، با بهره از آثار مفسران و پژوهش‌گران قرآنی، تبیین و تحلیل شد. سپس ضمن مطابقت‌دهی، نقاط اشتراک و افتراق و نارسایی‌های احتمالی استخراج و در پایان نتیجه‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش

مرحله اول: مطالعه مروری به‌منظور بررسی ملاک‌های نابهنجاری در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی و قرآن کریم

اختلال روانی در کتاب DSM-5 این‌گونه تعریف شده است: «وجود نشانگانگی که مشخصه بارز آن پریشانی بالینی چشم‌گیر در شناخت، تنظیم هیجان یا رفتار فرد است و نوعی کژکاری در فرآیندهای روان‌شناختی، زیست‌شناختی یا تحولی زیربنایی کارکرد ذهنی را نشان می‌دهد. اختلال‌های روانی معمولاً با آشفتگی یا ناتوانی چشم‌گیری در فعالیت‌های اجتماعی، شغلی و سایر زمینه‌های مهم همراه است.» (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۵، ص ۷۷) هم‌چنین در کتاب «تمایز شخصیت عادی و غیرعادی»، به‌صورت معین و بر اساس ساختار DSM، پنج ملاک را برای نابهنجاری ذکر می‌کند. این

1. Differentiating Normal and Abnormal Personality
2. Strack, S

پنج ملاک عبارت‌اند از: ۱. انحراف از انتظارات فرهنگی، ۲. اختلال رفتاری، روان‌شناختی، زیستی، ۳. انعطاف‌ناپذیری، ۴. عدم کنترل و ۵. اختلال قابل‌توجه بالینی؛ البته علاوه بر ملاک‌های عمومی و مشترک ذکرشده در این کتاب برای هرکدام از اختلال‌ها ویژگی‌ها و علامت‌هایی نیز مشخص شده است که مربوط به همان اختلال است (استراک، ۲۰۰۶).

یک بخش از یافته‌های این پژوهش به ملاک‌های اختلال روانی در قرآن مربوط می‌شود. نظر به نگرش ویژه اسلام به انسان که از عقل و وحی سرچشمه می‌گیرد، گستره وجودی انسان، ابدی است و با هدف رسیدن به کمال و قرب الهی ترسیم می‌شود و سعادت انسان نیز دست‌یابی به پایدارترین و برترین لذت‌هاست که در سایه عبادت و دوری از گناه تحقق می‌یابد (ابوترابی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۶). با توجه به این‌که دو مفهوم بهنجاری و نابهنجاری مفاهیمی برابر نهادند و تعریف یکی، تعریف دیگری را در پی دارد، از آنجا که سعادت در سایه ایمان به خداوند، محور بهنجاری قلمداد می‌شود، سبب اصلی نابهنجاری، کفر و انکار همان مواردی است که ایمان به آن‌ها تعلق می‌گیرد؛ یعنی کفر به خداوند، پیامبران و معاد (همان، ص ۲۷۲).

بخشی از نابهنجاری‌های شخصیت مانند عدم فهم و درک، استفاده نامناسب از اسباب شناختی و باورهای نادرست درباره نظام هستی به بُعد شناختی آن بازمی‌گردد. هم‌چنین در بعد عاطفی، خودمحوری، خودبزرگ‌بینی، عدم شناخت ظرفیت‌های روانی خویش، خشونت و تنگ‌نظری، غلبه انگیزه‌ها و ... برخی از جنبه‌های نابهنجاری شخصیت از دیدگاه قرآن به شمار می‌آیند (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۸۲). این ویژگی‌ها در صورتی که در فرد استمرار داشته باشد، سبب بیماری شخصیت می‌شود. برای نمونه از نظر قرآن، افراد سخت‌دل، گناه‌کار، خطاکار، مشرک، کوردل، متکبر، تنگ‌نظر، شیفتگان متظاهر زندگی دنیوی و متعصبان، دارای شخصیت بیمارند (همان).

در این مرحله، ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم نیز بررسی شد. این امر با بهره‌گیری از پژوهش شجاعی (۱۳۹۸) که از پنج ملاک نابهنجاری شامل ۱. افراط و تفریط، ۲. انسجام‌نیافتگی، ۳. غیرمتعارف بودن، ۴. غیرعقلانی بودن و ۵. دوری از فطرت، مبتنی بر پژوهش‌های قرآنی سخن گفته بود، به دست آمد.

مرحله دوم: شناسایی و جمع‌بندی ملاک‌های نابهنجاری در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی و قرآن کریم

در ادامه، ملاک‌های به‌دست‌آمده به تفصیل از نظر می‌گذرند تا در مرحله بعد بتوان میان این دو گونه



ملاک‌ها مقایسه انجام داد. ابتدا به ملاک‌های نابهنجاری برگرفته از کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اشاره می‌شود.

ملاک‌های نابهنجاری در DSM

۱. انحراف از انتظارات فرهنگی

در تعریف و ملاک‌های تشخیصی اختلال بیان شده است که الگوی رفتار «به‌طور چشم‌گیری از انتظارات فرهنگ فرد منحرف می‌شود» (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ص ۶۸۹). این ویژگی به این نکته اشاره دارد که آیا رفتار مورد نظر از هنجارهای اجتماعی تخطی می‌کند یا باعث تهدید و تشویش کسانی می‌شود که شاهد آن رفتارند. به این ترتیب، رفتاری که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی غیر قابل قبول است، رفتار نابهنجار خوانده می‌شود.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که برخی از رفتارهایی که در یک فرهنگ یا جامعه نابهنجار شمرده می‌شود، در جای دیگری می‌تواند کاملاً عادی باشد (آلارکن^۱، ۱۹۹۶) برای نمونه، برخی افراد فرهنگ‌های مدیترانه به پدیده «چشم‌اهریمنی»^۲ اعتقاد دارند، به طوری که ادعا می‌کنند سوءنیت دیگران می‌تواند تأثیر عمیقی بر آن‌ها بگذارد؛ اما اگر کسی این‌گونه عقاید را در فرهنگ آمریکا ابراز کند، نابهنجار، احتمالاً پارانویید یا بیش از حد هیجانی انگاشته می‌شود.

۲. اختلال رفتاری، روان‌شناختی، زیستی

یکی از ملاک‌هایی که در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی برای نابهنجاری شمرده می‌شود، وجود اختلال در رفتار، سازمان روان‌شناختی یا بعد زیستی شخص است. این مسئله در نسخه‌های پیشین به این صورت ذکر نشده بود و به تدریج اصل وجود اختلال در ابعاد رفتاری، روانی یا زیستی فرد می‌تواند در جهت تشخیص اختلال‌های گوناگون ملاک قرار گیرد. این مسئله پس از اختلال در تمییز افراد بهنجار و نابهنجار در نسخه‌های تشخیصی پیشین روی داد؛ چراکه عدم اشاره واضح به وجود اختلال، باعث می‌شد بسیاری از رفتارها و نابهنجاری‌ها به دلیل نبودن این ملاک قابل تشخیص نباشد (ویکفیلد و اسپیتزر، ۲۰۰۲).

برای نمونه برای تشخیص نابهنجاری «کودک‌آزاری جنسی» (پدوفیلیا) در کتاب DSM-III-R

1. Alarcon, R. D

2. Mal De Ojo

فقط به یک بزرگسال نیاز داشت که اصرارها و تخیلات مکرر مربوط به فعالیت جنسی با کودک قبل از بلوغ را برای مدت زمان حداقل ۶ ماه ادامه داده و طبق آن عمل کرده باشد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۸۰). با این حال، تقریباً هر فرد بالغی که با یک کودک، درگیر فعالیت جنسی است احتمالاً این آستانه تشخیصی را برآورده می‌کند و این ملاک تشخیصی صرفاً تداوم ۶ ماهه اصرار یا تخیل را به اتفاق معمول افزود بدون این که اشاره به وجود اختلال در رفتار یا ابعاد روان‌شناسانه فرد داشته باشد. در حقیقت، کتاب مرجع تشخیص DSM-III-R این گونه فرض می‌کند که تداوم ۶ ماهه این رفتار لزوماً نشان‌دهنده وجود اختلال در فرد است؛ اما نویسندگان کتاب DSM-IV و DSM-V با لحاظ ملاک یادشده این بیان را برای تشخیص اختلال کافی ندانسته و این الزام را اضافه کردند: «رفتار، انگیزه‌ها یا تخیلات جنسی باعث ایجاد پریشانی یا اختلال بالینی قابل توجه در زمینه‌های اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم عملکرد می‌شود» (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴، ص ۵۲۳).

اختلال «افسردگی عزاداری»^۱ مثال دیگری در این خصوص است. کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در صورتی افسردگی پس از دست دادن یکی از عزیزان را اختلالی روانی می‌داند که علائم خاصی همراه باشد، نشانه‌هایی از قبیل «احساس گناه درباره اقدامات انجام‌شده یا انجام‌نشده توسط بازمانده در هنگام مرگ، افکار مرگ برای شخص بازمانده، این که او بهتر است مرده باشد یا باید با شخص متوفی می‌مُرد، مشغله بیمارگونه همراه با بی‌ارزشی، عقب‌ماندگی روانی حرکتی مشخص، اختلال عملکرد طولانی مدت و مشخص و تجارب توهم‌آمیز مانند این که صدای او را می‌شنود، یا به‌طور گذرا تصویر شخص متوفی را می‌بیند» (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ص ۷۴۱). به این ترتیب صرف ناراحتی پس از فوت عزیزان، نمی‌تواند نشانه اختلال روانی باشد، بلکه بروز هرکدام از موارد یادشده می‌تواند روان‌درمان‌گر را به سمت اختلال رهنمون سازد.

۳. انعطاف‌ناپذیری

یکی از ملاک‌های تشخیص نابهنجاری در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، انعطاف‌ناپذیری و نوعی انجماد و تسلب است. (همان، ص ۶۸۵) البته این ویژگی در همه نابهنجاری‌ها به یک میزان وجود نداشته و شدت و ضعف دارد. برخی از ملاک‌های تشخیص

1. Depression after the Loss

اختلال شخصیت در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی حاکی از انعطاف‌ناپذیری مطلق است. در اینجا سه نمونه از اختلال‌ها و عدم انعطاف موجود در علائم و آثار آن‌ها بیان می‌شود.

فرد مبتلا به «اختلال شخصیت اسکیزوئید»^۱، نه تمایل به روابط نزدیک، از جمله عضو بودن در یک خانواده دارد و نه از آن لذت می‌برد، تقریباً همیشه فعالیت‌های انفرادی را انتخاب می‌کند، در صورت وجود، علاقه چندانی به داشتن تجارب جنسی با شخص دیگر ندارد، (همان، ص ۶۹۷). عدم تمایل و لذت بردن از روابط نزدیک به این معنی است که هیچ رابطه‌ای وجود ندارد که فرد آرزو کند یا از آن لذت ببرد، تمایل به صمیمیت ندارند، نسبت به فرصت‌های ایجاد روابط نزدیک بی‌تفاوت است و از عضویت در یک خانواده یا گروه اجتماعی دیگر رضایت ندارد (همان، ص ۶۹۴).

شخصی با «اختلال شخصیت خودشیفته»^۲، فاقد همدلی است. (همان، ص ۷۱۷) فقدان همدلی به این معنی است که فرد خودشیفته هرگز تحت هیچ شرایطی و هر زمانی ابراز همدردی نمی‌کند و شخص مبتلا به «اختلال شخصیت وسواسی»^۳، با وجود بی‌ارزش بودن، قادر به دور ریختن وسایل فرسوده یا بی‌ارزش نیست (همان، ص ۷۲۹).

۴. عدم کنترل

از جمله ملاک‌های لحاظ‌شده در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در تشخیص نابهنجاری و اختلال، از دست دادن آزادی و عدم کنترل است (همان، ص ۶۸۵) وجود اختلال روانی فرد را وادار می‌کند رفتاری انجام دهد که معمولاً برای خودش یا افراد دیگر مضر است یا باعث خسارت می‌شود. عدم کنترل یکی از ویژگی‌های اساسی اختلال روانی است که در تعریف «محدودیت قابل توجه» برگنر^۴ (۱۹۹۷) و تعاریف «ناسازگاری کنترل نشده» ویدگر^۵ و سانکیس^۶ (۲۰۰۰) از اختلال روانی تأکید شده است.

فقدان کنترل کافی بر احساسات، افکار یا رفتارهای ناراحت‌کننده یا آسیب‌رسان، از مفاهیم اساسی در بروز اختلال روانی است. با لحاظ این ملاک بروز بسیاری از نابهنجاری‌ها مانند

1. Schizoid Personality Disorder

2. Narcissistic Personality Disorder

3. Obsessive-Compulsive Personality Disorder

4. Bergner, G. S

5. Widiger, T. A

6. Sankis, L. M

کودک‌آزاری، اعمال مضر جنسی، مصرف مواد مخدر در صورتی که همراه با خودکنترلی و آگاهانه صورت بگیرد، نشان‌دهنده اختلال روانی و نابهنجاری روانی نیست. در مقابل برخی از رفتارهایی که ممکن است ظاهراً آسیب روانی به نظر نرسند مانند تداوم استفاده از یک دارو با وجود پیامدهای منفی اجتماعی، قانونی، مالی، جسمی و... شامل این ملاک شده و در زمره نابهنجاری قرار می‌گیرد چراکه شخص ناگزیر از آن بوده و به‌نوعی امکان کنترل خود را ندارد.

این گروه از افراد برای دست‌یابی به بینش، تکنیک‌ها، مهارت‌ها یا سایر ابزارها که توانایی آن‌ها را برای کنترل بهتر خلق و خو، افکار یا رفتارشان افزایش می‌دهد، تا حد زیادی ناگزیر از مراجعه به مشاوره حرفه‌ای‌اند. برای نمونه افراد مبتلا به اختلال وابستگی انتخاب نمی‌کنند که وقتی تنها هستند احساس ناراحتی یا درماندگی کنند، آن‌ها تصمیم نمی‌گیرند که با پایان یافتن یک رابطه نزدیک، فوراً دنبال یک رابطه دیگر باشند، هم‌چنین آن‌ها آزادانه یا خودخواسته مایل نیستند که دیگران مسئولیت قسمت‌های عمده زندگی‌شان را به عهده بگیرند. آن‌ها مجبورند که این احساسات را داشته باشند، این تصمیمات نادرست را بگیرند یا این رفتارها را انجام دهند. هرچند ممکن است بعضی اوقات خودشان تصور کنند که آزادانه و عامدانه عمل می‌کنند اما این تصور از خود توسط اکثر پزشکان تا حد زیادی توهمی تلقی می‌شود چراکه اگر مسئله اختیاری، داوطلبانه یا آزاد بود، برای تغییر الگوی رفتاری آن‌ها نیازی به مداخلات حرفه‌ای به وجود نمی‌آمد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ص ۷۴۳).

۵. اختلال قابل توجه بالینی

کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اساساً به تعیین سطح قابل توجهی از اختلال برای تمایز بین عملکرد روان‌شناختی بهنجار و نابهنجار متکی است. این ملاک کار تشخیص را برای مشاوران و روان‌درمانگران تا حدی، آسان و ممکن می‌سازد چراکه آستانه تشخیص را بر پایه اختلال عملکرد قرار می‌دهد. بر این اساس شخصی که دچار عقب‌ماندگی ذهنی است تا زمانی که در ارتباطات، خودمراقبتی، زندگی در منزل، مهارت‌های اجتماعی/ بین‌فردی، استفاده از منابع جامعه، جهت‌دهی به خود، مهارت‌های آکادمیک عملکردی، کار، اوقات فراغت، بهداشت و ایمنی دچار مشکل نشده است، برچسب اختلال یا نابهنجاری نمی‌گیرد (همان، ص ۴۹).

اختصاص ضریب هوشی ۷۰ به‌عنوان آستانه عقب‌ماندگی ذهنی نیز بر همین اساس صورت

گرفته است، با این توضیح که اگرچه افرادی که ضریب هوشی کمی بالای ۷۰ (مثلاً ۷۵) دارند نیز در بسیاری از فعالیت‌ها و شغل‌ها به‌سختی موفقیت به دست می‌آورند اما آنچه که اختلال عملکردی جدی در فرد ایجاد می‌کند و نیاز به مراقبت مستمر از آن‌ها وجود دارد، ضریب هوشی ۷۰ به پایین است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۸۰، ص ۳۷).

ملاک‌های نابهنجاری در قرآن کریم

در ادامه به ملاک‌های نابهنجاری مستخرج از پژوهش‌های قرآنی، اشاره می‌شود.

۱. افراط و تفریط

یکی از ملاک‌های نابهنجاری افراط و تفریط است. بر این اساس اعتدال و میانه‌روی در همه زمینه‌ها مطلوب و بهنجار بوده و افراط و تفریط نابهنجار به شمار می‌آید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و از خست هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بیش از اندازه آن را مگشا تا سرزنش شوی و از کاری فرومانی»^۱ (اسراء: ۲۹). هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید: «و کسانی که چون انفاق می‌کنند، اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند.»^۲ (فرقان: ۶۷). خداوند درباره نماز می‌فرماید: «و نمازت را زیاد بلند یا آهسته مخوان و در میان این دو راه معتدل و میانه را انتخاب کن»^۳ (اسراء: ۱۱۰). از نظر اسلام اگر همه راه‌ها و مسیرها را در سه راه خلاصه کنیم، تنها یک راه وجود دارد که انسان را به سعادت و رستگاری می‌رساند و آن راه وسط (اشاره به میانه‌روی و اعتدال) است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۵۸۵). افراط و تفریط همواره نابهنجاری به شمار می‌آید (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲).

۲. غیرمتعارف بودن

از نظر اسلام، آنچه متعارف است، بهنجار و آنچه غیرمتعارف به شمار می‌آید، نابهنجار است. واژه «عرف» دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد. «و به نیکی دعوت کن»^۴ (اعراف: ۱۹۹) عرف در لغت به رفتارها و عادت‌هایی گفته می‌شود که در بین مردم رایج و متداول است. در منابع اسلامی عرف

۱. وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

۲. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

۳. وَلَا تَنْهَهِمْ بِضَلَّاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

۴. وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ

به عادت‌ها و رسومی گفته می‌شود که عقلای جامعه آن را پذیرفته باشند. گاهی از آن به بنای عقلا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۸ و ج ۱۸، ص ۴۶۴) و سیره عملی (همان، ج ۴، ص ۱۸۴) نیز تعبیر می‌شود؛ بنابراین به خوبی می‌توان دریافت که چرا در منابع اسلامی و به ویژه موضوعات فقهی «عرف» به عنوان یک هنجار پذیرفته شده است (ایزدفرد، ۱۳۸۸، ص ۴۵ - ۷۳). «معروف» هم از همین ریشه گرفته می‌شود و عبارت است از هر رفتاری که مورد تأیید عقل و شرع باشد (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۱ و ج ۵، ص ۶۲ و ۲۵۷). نقطه مقابل معروف، منکر است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۹). منکر به رفتار غیر متعارف اشاره دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر آنچه خداوند به آن دستور می‌دهد، معروف و هر چه از آن نهی می‌کند، منکر به شمار می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۴۹۳ و ۵۲۸ و ج ۲۴، ص ۲۵۵). برای همین در آیات و روایات، در اشاره به رفتار بهنجار واژه «معروف» و برای اشاره به رفتار نابهنجار واژه «منکر» به کار می‌رود.

با این برداشت، هر چیز غیر متعارف، منکر نامیده می‌شود. واژه نُکْر (بر وزن شکر) و نُکْر (بر وزن شتر) نیز در قرآن به معنای امری غیر متعارف است. افرادی که الگوهای متعارف پیروی می‌کنند، بهنجار و افرادی که از الگوهای غیر متعارف پیروی می‌کنند، نابهنجار خوانده می‌شوند. شاید برای همین است که در روایات از پوشیدن لباس‌های نامتعارف نهی شده است (ملکی تبریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۶). علامه طباطبایی معروف و منکر را مترادف «خوب» و «بد» در نظر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۷۸) که نشان می‌دهد معروف و منکر معنای بسیاری گسترده‌ای دارد (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳).

۳. انسجام نیافتگی

یکی دیگر از ملاک‌های نابهنجاری در آیات قرآن کریم انسجام نیافتگی و ناموزون بودن است. معمولاً انسجام و موزون بودن در آیات و روایات با واژه «سوئی» بیان شده است؛ «سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی داشت؛ درحالی که زبانت سالم است!»^۱ (مریم: ۱۰). سوئی در لغت به معنای کامل، سالم، بی عیب و نقص است (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲). راغب اصفهانی سوئی را به بهنجاری و موزون بودن از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی تعریف کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰). طبری نیز کلمه سوئی را به معنای صحت و سلامتی و حالت بهنجاری

۱. أَلَّا تَكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا

و فقدان بیماری دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۴۰). از همه این‌ها می‌توان دریافت که سوئی به معنای بهنجاری است. در قرآن از فرایند انسجام‌یابی به تسویه (روی هم نهادن، نظام بخشیدن، مرتب کردن، موزون ساختن) تعبیر شده است. «آن‌که آفرید، پس درست و نیکو گردانید»^۱ (اعلی: ۲). منظور از تسویه این است که هر یک از اعضا و دستگاه‌های بدن (چشم، گوش، دست و پا، قلب، ریه و عروق) در جای مخصوص خود قرار گرفته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۲۷؛ ج ۲۶، ص ۹۹ و ۳۸۵ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۴۱). تناسب اعضا نیز با بهنجاری و نابهنجاری ارتباط دارد. برای مثال اگر یکی از دست‌ها یا انگشتان دست نسبت به دست دیگر خیلی بزرگ باشد، بهنجاری درباره آن صدق نمی‌کند. تناسب نه تنها در جنبه‌های جسمی بلکه در جنبه‌های عاطفی و روانی نیز مهم است. از نظر امام صادق (علیه السلام) ترس و امید باید به یک اندازه باشد. اگر یکی از آن‌ها بر دیگری بیش‌تر باشد. نابهنجاری است (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۵۴).

۴. غیر عقلایی بودن

در آموزه‌های اسلامی «تعقل» نشانه بهنجاری و «نبود تعقل» نشانه نابهنجاری است. خداوند در قرآن کریم، زمانی که به رفتارهای نابهنجار افراد اشاره می‌کند، فوراً به دنبال آن می‌فرماید: «آن‌ها قومی هستند که تعقل نمی‌ورزند»^۲ (حشر: ۱۴) در یک مورد، این افراد به حیواناتی تشبیه می‌شوند که توانایی دیدن و شنیدن را ندارند. خداوند درباره آن‌ها می‌فرماید: «این‌ها کران‌اند، لال‌اند، کوران‌اند و تعقل نمی‌ورزند»^۳ (بقره: ۱۷۱).

بنابراین هرگاه رفتار یک فرد غیر منطقی و غیر عقلانی باشد، آن رفتار و آن فرد نابهنجار به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد این ملاک از میان ملاک‌های دیگر دارای ابعاد و جنبه‌های بالاتری در دیدگاه اسلام باشد و خود شامل موارد و ابعاد گوناگونی است. تفکرات و باورهای غیر منطقی زیادی در آیات و روایات اشاره شده است. برای مثال، این‌که گفته شود جهان از روی تصادف به وجود آمده است، یا این‌که انسان و جهان هیچ هدفی ندارد، یا زندگی با مرگ به پایان می‌رسد، این‌ها همه باورهای غیر منطقی است. مهم‌ترین ویژگی تفکرات غیر منطقی این است که با واقعیت هم‌خوانی ندارد. در آموزه‌های اسلامی از تفکرات غیر منطقی به «باطل» تعبیر شده است (آل‌عمران: ۷۱ و اعراف: ۱۱۸).

۱. الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى

۲. ذَلِكَ بَأْتُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

۳. صُمُّ بَكْمٌ عُمَّى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

گاه غیر منطقی و غیر عقلانی بودن در رفتار ظاهر می‌شود. برای مثال، خودکشی نمونه‌ای از رفتار غیر منطقی است. هیچ آدم معقول و منطقی دست به چنین کاری نمی‌زند. رفتارهای خرافی نیز غیر منطقی است؛ بنابراین، نابهنجار به شمار می‌آید (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۵). هم‌چنین خداوند در آیاتی از قرآن کریم به نیروی درک حقیقت اشاره می‌کند و این‌که این نیرو را در اختیار همه افراد قرار داده است ولی گروهی از انسان‌ها از آن بهره نمی‌گیرند «آنان دل‌هایی دارند که با آن‌ها درک نمی‌کنند»^۱ (اعراف: ۱۷۹)

دقت در آیات قرآن نشان می‌دهد که این عدم تعقل و تفکر در دو گونه تعابیر قرآنی ذکر شده است. گونه اول مانند آیاتی که گذشت در مذمت عدم تعقل و خردورزی توسط کفار یا مؤمنین ذکر شده است. گونه دوم آیاتی است که دلالت بر مهر خوردن و زنگار گرفتن دل‌های انسان‌های نابهنجار دارد «بر دل‌هایشان مهر می‌نهم؛ پس ایشان نمی‌شنوند»^۲ (اعراف: ۱۰۰). سبب این مهر زدن بروز گناهان و خطاهایی است که مانند زنگ و غباری بر دل‌ها قرار گرفته و امکان تشخیص خیر و شر را از انسان می‌گیرد (ابوترابی، ۱۳۹۷، ۳۰۲).

سفاهت از دیگر عناوینی است که در آیات قرآن استفاده شده است، سفیه به کسی می‌گویند که نتواند مصلحت و سود خویش را تشخیص دهد و چه سودی برای انسان برتر از پیمودن مسیر کمال و سعادت است؟ خداوند می‌فرماید: «هیچ‌کس از دین ابراهیم (توحید) روی‌گردان نمی‌شود مگر کسی که نفس خود را خوار کند»^۳ (بقره: ۱۳۰). در این آیه نپذیرفتن توحید و دین حق، حاصل سفاهت دانسته شده است.

«حماقت» از دیگر نشانه‌های نابهنجاری و انسانی نابهنجار است که مفهومی روشن داشته و در برابر واژه «کیاست» به معنای زیرکی قرار دارد. در این باره رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «آیا می‌خواهید زیرک‌ترین و احمق‌ترین افراد را به شما معرفی کنم؟ یاران آن حضرت عرض کردند: آری یا رسول‌الله! آن حضرت فرمودند: زیرک‌ترین زیرک‌ها کسی است که خویش را محاسبه کند و برای پس از مرگ بکوشد و احمق‌ترین احمق‌ها کسی است که پیرو هوای نفس خود باشد و (باین حال) امیدوار باشد که خداوند آرزوهای او را برآورده کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۶۹).

از دیگر تعابیر قرآنی در زمینه غیر عقلانی بودن، «جنون» است. مجنون و دیوانه کسی است که

۱. لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا

۲. وَنَطَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

۳. وَمَنْ يَرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفِيهَةٍ نَفْسُهُ

عقل و درک ندارد. عقل موجب درک واقعیات و حقایق هستی است. این واژه درباره شدیدترین بیماری‌های روانی کاربرد دارد و به‌طور معمول به کسی گفته می‌شود که کم‌ترین سازگاری را با واقعیت‌های هستی دارد و با بسیاری از آن‌ها قطع رابطه کرده است، در نتیجه نیازهای خود و محیط را نمی‌شناسد و به همین جهت و بر اثر فشارهای شدید روانی دچار اختلال‌های بیش‌تری می‌شود (ابوترابی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۹).

۵. دوری از فطرت

فطرت، نوعی ساختار زیستی - روانی اولیه‌ای است که پیش از تولد وجود دارد و جهت‌گیری کلی رفتار فرد را در آینده تعیین می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۶ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۳۸۱). فطرت با سه ویژگی مشخص می‌شود: ۱. اساس سرشتی دارد؛ ۲. مشترک بین همه افراد است؛ ۳. به حالت طبیعی انسان مربوط می‌شود. در بسیاری موارد هرگاه کلمه فطرت به کار می‌رود، طبیعی بودن موردنظر است و طبیعی بودن همان بهنجاری است. از منظر اسلامی، هر چیزی که فطری است، بهنجار هم است. در آیات و روایات فطرت ملاک مهمی برای تعیین بهنجاری و نابهنجاری به شمار می‌آید؛ بنابراین، با شناخت فطرت و این‌که چه چیزی برای انسان فطری است، می‌توانیم بهنجاری را از نابهنجاری تشخیص دهیم. هدف بعثت انبیا هم شکوفایی فطرت بیان شده است. «برای آن‌که از عهد فطرت خود بهره‌برند»^۱ (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) اگر فطرت را به‌عنوان ملاک بهنجاری و نابهنجاری بپذیریم، در این صورت ویژگی‌هایی مانند تواضع، تقوا، زهد، قناعت، عفت و حیا، بهنجار و صفت‌های مقابل آن‌ها نابهنجار به شمار می‌آیند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۸۲).

از جمله واژه‌هایی که با بهنجاری و نابهنجاری ارتباط دارد، دو واژه «صلاح» و «فساد» است. خداوند در قرآن بهنجاری و نابهنجاری را با این دو واژه بیان کرده است. کلمه فساد در موارد مختلف برای اشاره به رفتارهای نابهنجار مانند سرقت، کم‌فروشی و موضوعات دیگر می‌آید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «آن‌ها که در روی زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند»^۲ (شعرا: ۱۵۲). در جای دیگر، فرعون را مفسد خطاب کرده، می‌فرماید: «هم‌اکنون ایمان می‌آوری درحالی‌که قبلاً گناه کردی و از مفسدان بودی»^۳ (یونس: ۹۱). واژه «فسق» و جمع آن «فسوق» نیز

۱. لَيْسَتَاؤُهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ

۲. الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ

۳. الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

با نابهنجاری ارتباط دارد. فسق در لغت به معنای خارج شدن از فرمان خدا و راه و رسم بندگی است. مفهوم فسق، کفر را هم شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۳۶۸ و ج ۶، ص ۱۳). در برخی موارد از رفتارهای نابهنجار به فحشا هم تعبیر شده است؛ بنابراین، هر رفتاری که مصداق فحشا باشد، نابهنجار است (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶).

مرحله سوم: تطبیق ملاک‌های نابهنجاری در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی و قرآن کریم

یافته‌های پژوهش نشان داد که محورهای مشترکی در هر دو مبنا وجود دارد: ملاک اول یعنی انحراف از انتظارات فرهنگی تا حدودی با ملاک غیرمتعارف بودن هم‌خوانی و ارتباط دارد. هر دو، پیروی و تبعیت از فرهنگ جامعه را مورد تأکید قرار داده و رفتارهای خلاف فرهنگ جاری را در زمره نابهنجاری شخصیت قلمداد می‌کنند؛ اما مسئله حائز اهمیت که موجب تفاوت این دو رویکرد می‌شود آن است که در نگاه قرآنی صرف فرهنگ بودن، ملاک بهنجاری نیست، چراکه ممکن است حتی در جوامع اسلامی نیز فرهنگ‌های غلط رایج شود که هیچ تناسبی با مکتب اسلام نداشته باشد و از این رو، ابتناء به عقل و شرع را در امور فرهنگی شرط کرده است؛ امری که در ملاک‌های کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی وجود ندارد.

ملاک دوم یعنی اختلال‌های رفتاری، روان‌شناختی و زیستی، به نوعی با ملاک انسجام‌نیافتگی در ارتباط است و هر دو ناظر به بروز اختلال در شخص است. کلیت این دو ملاک به نظر می‌رسد با یکدیگر هم‌خوانی دارد و هر دو جنبه‌های مختلف انسان را مورد توجه قرار می‌دهند و تنها تفاوت، در تشخیص مصادیق است. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، این ملاک در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی صرفاً در حیطه اختلال و بروز مشکل قابل تطبیق و ارائه است اما در نگاه قرآنی، برخورداری از سلامت و انسجام‌یافتگی در هر سطح می‌تواند نشانه بهنجاری باشد و حتی در افرادی که در نگاه عمومی سالم و بهنجانند نیز ممکن است جنبه‌های نابهنجاری در نظام روانی یا رفتاری داشته باشند.

به نظر می‌رسد ملاک‌های سوم، چهارم و پنجم مطرح شده در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی با ملاک غیرعقلانی بودن ارتباط دارند. عدم کنترل، انعطاف‌ناپذیری و اختلال قابل توجه بالینی همه می‌تواند در اثر عدم تعقل و خردورزی چه به صورت ارادی و چه به صورت اختلال زیستی بروز کند. البته همان‌گونه که در ذیل بحث غیرعقلانی بودن به تفصیل بیان شد، این ملاک دارای ابعاد مختلفی است و تطبیق دقیق هر کدام از ملاک‌های کتاب راهنمای تشخیصی و

آماري اختلال‌های روانی با این ابعاد نیاز به بحث مفصل و مستقلى دارد اما فی‌الجمله می‌توان ارتباط این دو گونه ملاک نابهنجاری را در دو مبنای متفاوت طرح کرد.

هم‌چنین ملاک دوری از فطرت، می‌تواند با تمام ملاک‌های نابهنجاری کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در ارتباط باشد. غیر از اختلال‌های مادرزادی و با منشأ زیستی، سایر اختلال‌ها می‌تواند در اثر فاصله گرفتن انسان از فطرت پدید آید. البته عوامل این فاصله گرفتن متعدد است و شامل تربیت، محیط اجتماعی، زمینه‌های خانوادگی و ارثی می‌شود. با این وجود این مؤلفه یعنی فاصله گرفتن از فطرت بر تمام ملاک‌های نابهنجاری سایه افکنده و همان‌گونه که بسیاری بیان کرده‌اند اساساً برگشت تمام مشکلات و نابهنجاری‌ها به این عامل است و نقش اساسی و محوری در پدید آمدن سایر ویژگی‌ها و ملاک‌های نابهنجاری دارد.

مرحله چهارم: بحث و تبیین نهایی

نگاهی اجمالی به دو نوع ملاک یادشده تفاوت‌های مبنایی و اساسی را میان این دو ساختار ملاک‌دهی نشان می‌دهد که ناشی از تفاوت در جهان‌بینی، مبنا و هدف است. در ادامه چند مورد از این تفاوت‌ها بیان می‌شود.

عدم محدود شدن در اختلال: چه بسا انسان‌هایی که ظاهراً هیچ‌گونه اختلال و مشکلی ندارند اما با لحاظ ملاک‌های نابهنجاری قرآنی، شرایط نامساعدی دارند، از فطرت فاصله گرفته‌اند، خردورزی لازم را در زندگی ندارند، شخصیت انسجام‌یافته‌ای ندارند و... این همان چیزی است که روان‌شناسان بالینی نیز به‌عنوان نقطه ضعف کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ذکر کرده‌اند که در بسیاری از موارد اجازه می‌دهد شخص در یک نابهنجاری پیشرفت کند تا این‌که علائم و نشانه‌های حتمی را نشان بدهد تا در نهایت متخصصین بر اساس کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، اجازه تشخیص نابهنجاری را بدهند (انجمن روان‌پزشکی امریکا، ۱۹۹۴، ص ۳۱۹).

جامعیت و توجه به تمام ساحت‌های انسانی: یکی دیگر از نقاط تفاوت این دو مبنا، توجه به تمام ساحت‌های وجودی انسان یعنی ساحت‌های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، شناختی، عاطفی و رفتاری، در ملاک‌های برگرفته از قرآن است؛ امری که گم‌شده روان‌شناسی معاصر از جمله کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی است و تمام ملاک‌های

مطرح شده در این کتاب ناظر به ساحت بالینی و رفتاری بوده است و صرف عدم اختلال آشکار در زندگی را به نوعی برابر با شخصیت بهنجار و سالم قلمداد می‌کند.

ثابت بودن ملاک‌ها: برخلاف ملاک‌های کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی یا سایر مراجع تشخیصی که مدام در حال تغییر و بازبینی است و برخی مسائل اساسی در نسخه‌های مختلف‌شان تغییر می‌کند، ملاک‌های برگرفته از مکتب اسلام و کتاب قرآن ثابت و لایتغیر است چراکه مبنا و اساس این ملاک‌ها امری واحد و ثابت است. اگرچه ممکن است برداشت‌ها و دریافت‌های پژوهش‌گران و دانشمندان اسلامی در طول زمان‌ها دچار تغییر و تحول شود، اما با وجود مبانی واحد، این تغییرات، اساسی و کلان نخواهد بود.

چندلایگی و عمیق بودن ملاک‌های قرآنی: ملاک‌های برگرفته از قرآن دارای سطوح و لایه‌های مختلفی است به طوری که هر شخص با هر میزان از موفقیت و سلامت روانی می‌تواند خود را در بوته محک آن‌ها قرار داده و در مسیر کمال و بهنجاری تمام حرکت کند. بر اساس این ملاک‌ها نقطه پایانی برای مسیر تکاملی انسان وجود ندارد. وقتی ملاک بهنجاری خردورزی، احیای فطرت و انسجام‌یافتگی شد، انسان در هر شرایطی که قرار گرفته باشد، باز هم امکان ارتقا و تعالی را برای خود می‌بیند. این چارچوب با رویه کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی و کتاب‌های معمول بهداشت روانی که صرفاً به عدم برخورداری از اختلال قابل توجه بالینی بسنده می‌کنند، تفاوت جدی دارد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گذشت پژوهش‌گران از کتاب قرآن کریم که متکفل هدایت انسان‌هاست، ضمن تعلیم و آموزه‌های ارائه‌شده، ملاک‌هایی را برای نابهنجاری استخراج کردند که شامل مفاهیمی از قبیل افراط و تفریط؛ انسجام نیافتگی؛ غیرمتعارف بودن؛ غیرعقلانی بودن و دوری از فطرت می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲) و از ویژگی‌هایی چون جامعیت و توجه به تمام ساحت‌های انسانی، چندلایگی و عمیق بودن، ثبات و قوام ملاک‌ها و عدم محدود شدن در اختلال برخوردارند. به بیانی دیگر، این ویژگی‌ها برای همه انسان‌ها در همه فرهنگ‌ها و سطوح، قابل تعمیم و تطبیق است و برخلاف سایر مبانی و ملاک‌ها تحت هیچ جریانی دست‌خوش تغییر نمی‌شود. در مقابل، ملاک‌های مطرح‌شده در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی که مهم‌ترین مرجع تشخیص اختلال‌های بالینی روان‌شناسی معاصر است با وجود برخورداری از نظام و



ساختار طبقه‌بندی‌شده، پیش از هر چیز مورد انتقاد جدی طیف قابل‌توجهی از روان‌شناسان بالینی قرار گرفته است (استراک^۱، ۲۰۰۶). با لحاظ ملاک‌های نظام برگرفته از قرآن کریم، مشکلات این ملاک‌ها از دریچه‌ای دیگر قابل بررسی خواهد بود. ملاک‌های برگرفته از قرآن کریم، ضمن جامعیت و توجه به تمام ساحت‌های وجودی انسان، ثابت و لایتغیر است، محدود به اختلال‌ها و نابهنجاری‌ها نمی‌شود و برای همه انسان‌ها در هر سطحی از سلامت و بهنجاری قابل استفاده است. بر اساس مطابقت ملاک‌های برگرفته از کتاب قرآن کریم با ملاک‌های کتاب DSM، برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها احصا می‌گردد. در خصوص مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، به نظر می‌رسد ملاک انحراف از انتظارات فرهنگی تا حدودی با دومین ملاک برگرفته از قرآن کریم هم‌خوانی و ارتباط دارد. هر دو ملاک به پیروی و تبعیت از فرهنگ جامعه اشاره دارند، رفتارهای خلاف فرهنگ جاری را در زمره نابهنجاری شخصیت قلمداد می‌کنند؛ اما تفاوت این دو آن است که در نگاه قرآنی صرف پیروی از فرهنگ، ملاک بهنجاری نیست و مشروط به مبتنی بودن به عقل و شرع است، امری که در ملاکهای DSM وجود ندارد. هم‌چنین ملاک اختلال‌های رفتاری، روان‌شناختی و زیستی به‌نوعی با سومین ملاک مطرح‌شده از سوی قرآن کریم در ارتباط است. هر دو ناظر به بروز اختلال در ویژگی رفتاری، روان‌شناختی یا زیست‌شناسی شخص هستند. کلیت این دو ملاک به نظر می‌رسد با یکدیگر هم‌خوانی دارد و هر دو جنبه‌های مختلف انسان را مورد توجه قرار می‌دهند و تنها تفاوت، در تشخیص مصادیق است؛ این ملاک در نظام DSM در حیطه اختلال و بروز مشکل قابل تطبیق و ارائه است اما در نگاه قرآنی در هر سطحی از سلامت و انسجام‌یافتگی می‌تواند نشانه بهنجاری باشد و حتی در افرادی که در نگاه عمومی سالم و بهنجارند نیز ممکن است جنبه‌های نابهنجاری در نظام روانی یا رفتاری وجود داشته باشد. نکته بعدی درباره رابطه شاخص‌های سوم، چهارم و پنجم (عدم کنترل، انعطاف‌ناپذیری و اختلال قابل توجه بالینی) در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی با ملاک غیرعقلانی است. عدم کنترل، انعطاف‌ناپذیری و اختلال قابل توجه بالینی می‌تواند در اثر عدم تعقل و ناخردورزی، چه به‌صورت ارادی و چه اختلال زیستی بروز کند و بالاخره ملاک دوری از فطرت، می‌تواند با تمام شاخص‌های نابهنجاری کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در ارتباط باشد. غیر از اختلال‌های مادرزادی و با منشأ زیستی، سایر اختلال‌ها می‌تواند در اثر فاصله گرفتن انسان از فطرت پدید آید. این مؤلفه یعنی

1. Strack, S

فاصله گرفتن از فطرت بر تمام ملاک‌های نابهنجاری سایه افکننده و همان‌گونه که بسیاری بیان کرده‌اند که اساساً برگشت تمام مشکلات و نابهنجاری‌ها به این عامل است، از این رو، نقشی اساسی و محوری در پدید آمدن سایر ویژگی‌ها و ملاک‌های نابهنجاری دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن قتیبه، عبدالله (۱۴۱۱). تفسیر غریب القرآن. بیروت: مکتبه الهلال.

ابن منظور، محمد (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابوترابی، علی (۱۳۹۷). نقد ملاک‌های بهنجاری در روان‌شناسی: با نگرش به منابع اسلامی. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی رحمه‌الله.

انجمن روان‌پزشکی امریکا (۱۳۹۵). چکیده DSM-5 راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. ترجمه هامایاک آوادیس‌یانس، حسن هاشمی منیاباد و داود عرب‌قهستانی، تهران: رشد.

ایزدفرد، علی‌اکبر؛ رجب‌علی نعمت‌زاده و حسین کاویار (۱۳۸۸). عرف و جایگاه آن در استنباط احکام شرعی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ۱(۱)، ۴۵ - ۷۳.

باقری، فریبرز (۱۳۹۱). بهنجاری و نابهنجاری از منظر روان‌شناسی ماده‌گرا و رویکرد اسلامی. علوم انسانی صدر، ۳، ۱۳۸ - ۱۴۵.

دشتی، محمد (۱۳۸۱). ترجمه نهج البلاغه. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.

راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷). مفردات الفاظ قرآن کریم. قم: انتشارات نوید اسلام.

روزنهان، دیوید آل و مارتین ای. پی. سلیگمن (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی روانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: سالوان.

سالاری‌فر و دیگران (۱۳۹۳). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شجاعی، محمداصداق (۱۳۹۷). روان‌شناسی در قرآن و حدیث. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۱). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبری، محمد (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.



- طوسی (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فقیهی، علی‌نقی؛ شریفی، فاطمه و پناهی‌تلخستانی، سعیده، (۱۳۹۳). بررسی نارسایی‌های دیدگاه‌های روان‌شناسی معاصر پیرامون ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری و تبیین این موضوع از دیدگاه اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۴(۸)، ۱۲۸ - ۱۰۵.
- کاپلان (۱۳۹۲). خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی. فرزین رضاعی، تهران: انتشارات ارجمند.
- کلینی، محمد (۱۳۸۵). اصول کافی. ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: قائم آل محمد.
- کیو، سوزان (۱۳۸۶). طبقه‌بندی و تشخیص اختلالات روان‌شناختی. ترجمه محمد خدایاری فرد و غلام‌رضا جعفری کندوان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- محمدی، رضا و گراوند، علی (۱۳۹۴). طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به اختلالات روانی و رفتاری با رویکرد طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها. طب انتظامی. ۴(۵)، ۳۰۷ - ۳۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامی.
- ملکی تبریزی، میرزاجواد (۱۴۲۰). اسرارالصلاة. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- Alarcon, R. D. (1996). Personality disorders and culture in DSM-IV: A critique. *Journal of personality disorders*, 10(3), 260-270.
- American Psychiatric Association. (1980). *Diagnostic and statistical. Manual of mental disorders*.
- American Psychiatric Association. (1994). *Diagnostic and statistical. Manual of mental disorders*.
- American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and statistical. Manual of mental disorders*.
- Bereday, G. Z. (1964). *Comparative method in education*. Holt, Rinehart & Winston.
- Bereday, G. Z., Lauwerys, J. A., & Blaug, M. (2013). *World yearbook of education 1967: Educational planning*. Routledge.
- Bergner, G. S. (1997). *Making a primal scene: Race, psychoanalysis, and representation*. Princeton University.

- DSM, I. (1952). Diagnostic and statistical manual or mental disorder.
- Frances, A. J., First, M. B., & Pincus, H. (1995). DSM-IV Guidebook. Washington, DC: American Psychiatric Press.
- Howard, G. S., & Conway, C. G. (1986). Can there be an empirical science of volitional action?. *American Psychologist*, 41(11), 1241.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2003). Personality in adulthood: A five-factor theory perspective. Guilford Press.
- Strack, S. (Ed.). (2006). Differentiating normal and abnormal personality. Springer Publishing Company.
- Wakefield, J. C., & Spitzer, R. L. (2002). Why requiring clinical significance does not solve epidemiology's and DSM's validity problem. Defining psychopathology in the 21st century: DSM-V and beyond, 31-40.
- Wegner, D. M., & Wheatley, T. (1999). Apparent mental causation: Sources of the experience of will. *American psychologist*, 54(7), 480.
- Widiger, T. A., & Sankis, L. M. (2000). Adult psychopathology: Issues and controversies. *Annual Review of Psychology*, 51(1), 377-404.

